

چهارشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵

پرسپولیس و قماری به نام مهدی تار تار نیمکت بی دفاع

نازنین دشتی

باد سردی در درگاه سرخ پوشان مسی وزد. تاریخی که روزگاری باافتخار و نام‌های بزرگ گره خورده بود، حالا در چنینه تصمیماتی گرفتار شده‌است که بوی نامیدی، روزمرگی و سقوط آزادی می‌دهد. وقتی خبر رسمی شد، سکوتی سنگین و پس از آن، فریادی از جنس خشم و نابوری فضای مجازی و حقیقی هواداران پرسپولیس را در بر گرفت؛ مهدی تار تار رسماً سر می‌پرسپولیس شده؛ با قرار دادی یک‌ساله. این جمله کوتاه، پایان یک تراژدی طولانی و کم‌دی مدیتریتی بود که از روز اخراج عجیب اوسمار ویرا آغاز شد و حالا به نقطه‌ای رسیده‌است که می‌توان آن را پایان جاهطلبی یک غول آسیایی نامید.

برای درک عمق فاجعه‌ای که مدیریت باشگاه رقم زده است، باید به عقب برگردیم. به روز‌هایی که هوادار پرسپولیس با رویاپردازی برای حضوری قدرتمند در آسیا، اخبار را ثانیه به ثانیه دنبال می‌کرد. مدیران باشگاه، در یک بازی رسانه‌ای و فرسایشی که شباهت عجیبی به بازی اسم و فامیل داشت، نام‌ها را یکی پس از دیگری روی میزی می‌آوردند و خط می‌زدند. پس از اخراج اوسمار، روزها هفته‌ها با نام دراگان اسکوپچچ افکار عمومی را بازی دادند. اسکوپچچی که حداقل رزومه‌ای قابل دفاع در فوتبال ایران داشت؛ مردی که تیم‌ملی را در بحرانی‌ترین شرایط به جام جهانی برده بود و با تراکتور طمع قهرمانی را چشیده بود. هوادار، هر چند با تردید، اما این نام را به عنوان یک گزینه استاندارد پذیرفته بود. اما ناگهان، ورق برگشت. مذاکرات، نمایشی بیش نبود و باشگاه در یک سقوط آزاد حیرت‌انگیز، از اسکوپچچ به مهدی تار تار رسید.

پرسش اساسی اینجاست؛ مهدی تار تار با کدام دستاورد به نیمکت داغ تیمی رسیده‌است که توقعات در آن، هم‌زهای فوتبال ایران را در نور دیده است؟ در فوتبال حرف‌های، نیمکت تیم‌های بزرگ سهم مریبانی است که باید ایده‌های تاکتیکی انقلابی دارند، و یا ویژگی‌هایی بر آن‌ها و جام و افتخار. اما واقعیت تلخ این است که مهدی تار تار، با وجود سال‌ها حضور در سطح اول فوتبال ایران، هیچ افتخاری، یا تأکیدی کم‌کم، مطلقاً هیچ دستاورد افتخاری که‌ا‌ورا شایسته نشستن روی نیمکت پرسپولیس کند، در کارنامه ندارد. او همیشه مربی تیم‌های میانه جدول بوده‌است؛ مردی برای بقا، مردی برای دهم شدن، مردی برای نیاختن‌های اقتصادی. آیا تیمی که دی‌ان‌ای آن با قهرمانی و فوتبال هجومی عجیب شده، جای از مومن و خطای مربی تیم‌های متوسط است؟



اینجاست که پیکان تیز انتقادات، از روی نیمکت عبور می‌کند و مستقیماً قلب مدیریت باشگاه را نشانه می‌گیرد. جناب آقای حدادی؛ مدیری که حضورش در این مسند، همچنان یکی از بزرگ‌ترین غلامت‌سوال‌های تاریخ باشگاه است. همان جناب دانای کل که پس از ناکامی در مسیر آسیایی شدن، در فراری رو به جلو، تمام کاسه کوزه‌ها را بر سر پای بیکنان شکست و مدعی شد که «حادثه‌رقعی مشکلی نداشته‌است. اما همین مدیر همه چیز داد، چطور توانست تیمی را که نیازمند یک رهبر کارزماتیک بود، به دست گزینه‌ای بسپارد که حتی یک روز هم تجربه تحمل فشار کشنده هواداران میلیونی را ندارد؟! آیا واقعاً تفکر، استراتژی یا تاق فکری پشت انتخاب تار تار بوده‌است؟ یا اینکه جناب مدیر عامل، پس از مواجهه با درهای بسته و ناتوانی در جذب مربیان تراز اول، دست در چیب خالی باشگاه کرد و دو مد دست‌ترین، بی‌در دست‌ترین و آرزای‌ترین گزینه ممکن را بیرون کشیده‌است؟ یا پاسخ برای هر ناظر آگاهی روشن است؛ مدیریت باشگاه، مسیر بقای خودش را بر جاملطبی باشگاه تزییح داده‌است.

تاریخ در باشگاه‌های بزرگ، معلم بی‌رحمی است. هواداران پرسپولیس حافظه تاریخی قدرتمندی دارند. آنها فراموش نکرده‌اند که نیمکت این تیم، چطور مربیانسی را که در حد و اندازه نام‌های پرسپولیس نبودند، بلعید. سرنوشته حمیداستیلی و وحیدهاشمیان، این‌هاحق این‌روزها مهدی تار تار است. مربیان که با وجود سوابق درخشان در دوران بازیگری، به دلیل نداشتن وزن فنی و کارزمای لازم برای هدایت تیم بزرگ، هرگز از سوی سکو‌ها پذیرفته نشدند. سکو‌های آزادی و هواداران پرسپولیس، به کسی چک سفید امضایی دهند. وقتی هوادار احساس کند که انتخاب سرمربی، نه بر اساس شایسته‌سالاری، بلکه بر مبنای استیصال مدیریت بوده‌است، و شمشیر انتقادر از همان ثانیه اول از غلاف بیرون می‌کشد. همین مساله باعث شد تا عمر میرگری امثال استیلی وهاشمیان به یک‌نیم‌فصل فقل‌قدنهد. حالا مهدی تار تار، با کارنامه‌ای خالی و تفرشاری مضاعف، قدم در همان مسیر مین‌گذاری شده گذاشته‌است.

انتخاب تار تار، صرفاً یک تغییر تاکتیکی نیست؛ این یک پیام واضح از سوی مدیریت به هواداران است؛ ما توانایی مدیریت در بحران‌های بزرگ را نداریم. تیمی که می‌توانست با حفظ ثبات پس از دوران اوسمار، مسیر موفقیت را ادامه دهد، حالا درگیر بحران هویت شده‌است. تار تار در حضورش در تمرینات، نه با استقبال گرم، بلکه با نگاه‌های سرد و پر از تردید، بازیکنانی رویه‌رو خواهد شد که می‌خاندنفرمانده‌شان، تجربه فتح هیچ سنگربزرگی را ندانشته‌است.

در نهایت، این بازی تلخ، قربانی بزرگی خواهد داشت و آن نام پرسپولیس است. جناب حدادی و تیم مدیریتی‌اش با این انتخاب، تمام پل‌های پشت سر خود را خراب کرده‌اند. اگر تار تار نتواند در همان چند هفته اول، معجزه‌ای از خود نشان دهد (که با توجه به ابزار و کارنامه‌اش بعید به نظر می‌رسد)، سکو‌ها تبدیل به جهنمی خواهند شد که نه تنها سرمربی، بلکه صندلی لرزان مدیر عامل را هم در آتش می‌سوزانند. مهدی تار تار روی نیمکت پرسپولیس نشست، اما شمارش معکوس برای پایان این تراژدی، از همان لحظه‌ایضای قرار داد آغاز شده‌است. ساعت شنی پرسپولیس وارونه شده و شن‌ها به سرعت در حال ریزش هستند؛ به نظر می‌رسد زمستان سرد سرخ‌ها، خیلی زودتر از موعد فرا رسیده‌است.

صاحب‌امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیرنظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

مرثیه‌ای برای آخرین قاب پادشاه در جام جهانی

آغاز عصر خاموشی

آرنا طاری

سوت پایان بازی به صدا درآمده‌است. تابلو‌های ورزشگاه نتیجه را نشان می‌دهند؛ اسپانیا پیروز شد و در نغال از جام جهانی ۲۰۲۶ کنار رفت. در حالت عادی، اکنون باید تمام لنت‌های دوربین به سمت ماتادورهای اسپانیایی می‌چرخید که غرق در شادی صعود هستند. باید تیترا یک تمام خبرگزاری‌ها، تاکتیک‌های بی‌نقص اسپانیا و جشن و پایکوبی آنها می‌بود. اما نه... امروز فوتبال، قوانین همیشگی‌اش را نقض کرده‌است. هیچ‌کس از صعود اسپانیا حرف نمی‌زند. هیچ‌کس اهمیتی به تیم پیروز میدان نمی‌دهد. تمام چشم‌ها، تمام لنت‌ها و تمام قلب‌های تپنده دنیای فوتبال، روی یک نقطه و یک نفر قفل شده‌است؛ مردی با پیراهن شماره هفت که زانو زده و صورتش را میان دستانش پنهان کرده‌است. کریستیانو رونالدو می‌گرید و این بار، این اشک‌ها با تمام اشک‌های قبلی فرق دارد. این، پایان تلخ یک رویای شیرین در ششمین جام جهانی اوست. این، آخرین باری است که او را در بزرگ‌ترین فستیوال فوتبال جهان می‌بینیم. در ادبیات ورزشی ما ایرانی‌ها، جمله‌ای کلیشه‌ای وجود دارد که بارها پس از ناکامی‌ها و شکست‌ها به زبان می‌آوریم؛ هیچ چیز از ارزش‌ها ماک‌نشد. این جمله شاید در بسیاری از مواقع صرفاً یک مسکن موقت برای تسکین درد شکست باشد و گاهی حتی رنگ و بوی توجه به خود بگیرد. اما اگر در تمام تاریخ ورزش، تنها یک نفر، تنها و تنها یک نفر وجود داشته باشد که این جمله با گوشت و پوست استخوان در مورد او صدق کند، آن شخص کسی نیست جز کریستیانو رونالدو دوس سانتوس آویرو. آیا قهرمان نشدن در جام جهانی چیزی از رونالدو کم می‌کند؟ پاسخ به وسعت تاریخ فوتبال شفاف‌است؛ مطلقاً خیر. جام جهانی با تمام عظمت و شکو‌ش، تنها یک تورنمنت است که هر چهار آنچه رونالدو را به یکی از بزرگ‌ترین‌های تاریخ تبدیل کرده، فقط آمار و حشنتاک گلزنی، پرش‌های فرازمینی، شوت‌های سرکش و افتخارات بی‌شمارش نیست. عظمت او در تدابوم بی نظیرش نهفته است. در دورانی که ستاره‌های فوتبال پس از چندسال در خشخ، اشباع می‌شوند و رو به افول می‌روند، رونالدو مانند یک ققنوس، بارها و بارها از خاکستر خود برخاست

اتفاق روز

ارلینگ هالند، تقاطع بی‌رحم ماشین و احساس در مستطیل سبز حماسه مرد یخی

نگار رشیدی

فوتبال، این تئاتر بی‌کران رویاها، همیشه صحنه‌ای برای هنر نمایی شاعران بوده‌است؛ از حرکات موزون و جادویی پله و مارادونا گرفته تا مسقوفنی بی‌نقص لیونل مسی. ما سال‌ها عادت کرده‌ایم که زیبایی فوتبال را در ظرافت، در پاس‌های میلی‌متری و در دریل‌های چشم‌نواز جست‌وجو کنیم. اما تاریخ همیشه در حال خوردن و است و عصری، قهرمان خاص خود را می‌طلبد. در روزگاری که تاکتیک‌ها پیچیده‌تر از همیشه شده‌اند و فضاها در زمین مسابقه به تنگنای یک قفس درآمده‌اند، ناگهان طوفانی از شمال اروپا روییدن گرفت. طوفانی با مو‌های طلایی؛ گام‌های بلند و چشمانی که در آنها عطش بی‌پایان فتح و پیروزی موج می‌زند. ارلینگ هالند، تنها یک نام در دنیای فوتبال نیست؛ او یک پدیده‌است، یک رنسانس فیزیکی و روانی که تمام معادلات و زیبایی‌شناسی این ورزش را از نو تعریف کرده‌است. وقتی ارلینگ هالند پایه توپ می‌شود، گویی زمین زیر پای مدافعان می‌لرزد. صدای گام‌های او، صدای ناقوس خطر برای هر دروازه‌بانی است. در نگاه اول، شاید او شبیه به درمیتاتوری بی‌احساس به نظر برسد که تنها برای یک هدف برنامه‌ریزی شده‌است؛ نابودی دروازه حریف. قامت بلند، شانه‌های پهن و قدرت انفجاری‌اش او را به یک غول بی‌شاخ و دم در محوطه جریمه تبدیل کرده‌است. اما اگر کمی دقیق‌تر نگاه کنیم، پرپس این ظاهر ماشینی و بی‌رحم قلبی، می‌تپد که سرشار از عشق خالص به فوتبال است.



هالند تجسم فیزیکی اراده‌است. او به ما یادآوری می‌کند که زیبایی همیشه در ظرافت نیست؛ گاهی زیبایی در قدرت مطلق نهفته‌است. در پرش‌های خیره‌کننده‌ای که گویی جاذبه زمین را به سخره می‌گیرد، در شوت‌های سهمگینی که تور دروازه را به ناله وامی‌دارد و در آن استارت‌های ویرانگری که هیچ خط دفاعی در جهان یاری مقاومت برابر آن را ندارد. او را می‌تسیم کلاسیک فوتبال را با واقع‌گرایی بی‌رحمانه و مدرن خود جایگزین کرده‌است. هالند به ما نشان داد که می‌توان یک گلزن قهار بود، اما در عین حال بار گل، داستانی حماسی نوشت. به ارلینگ هالند خواهد داشت. طبیعت در خلق او هیچ خساستی به خرج نداده‌است. او سرعت و یونگر سبک‌بال، قدرت یک مدافع میانی توپ‌منور و درغریز قاتل بی‌مهاجم نوک کلاسیک را یکجا در وجود خود جمع کرده‌است. وقتی در عمق دفاع حرف حرکت می‌کند، شبیه به یک قمار

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseirani.ir

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

شماره ۲۲/۱۴۰۵/ چهارشنبه ۱۷ تیر ۱۴۴۸ / ۸ جولای ۲۰۲۶



در فراموش نکرد. کارهای خیره‌ی، کمک‌های مالی به بیمارستان‌ها، خوشحال کردن کودکان بیمار و ایستادن در کنار مظلومان، چهره‌ای انسانی و دوست‌داشتنی از این گل‌دانا تور مغرور ساخت. او به هوادارانش احترام گذاشت و فوتبال را به هنری تبدیل کرد که در آن، شکوه و انسانیت در هم آمیخته‌اند.

حالا، در این لحظه تلخ در جام جهانی ۲۰۲۶، وقتی به اشک‌های رونالدو نگاه می‌کنیم، دل‌مان فشرده می‌شود. این اشک‌ها، یادآور اشک‌های پسرک ۱۹ساله‌ای است که در فینال وورو ۲۰۰۴ پس از شکست مقابل یونان، پهنای صورتش را خیس کرده بود. از آن پسرک لاغر اندام با موهای مش‌کرده تساین مرد پخته و اسطوره بی‌بدل، ۲۲سال گذشته‌است. ۲۲سالگی که در آن، رونالدو همه وجودش، همه جوانی‌اش و همه قلبش را به فوتبال تقدیم کرد. پس بگذارد با صدای بلند بگویم؛ این رونالدو نیست که باید گریه کند، این فوتبال است که باید زار بزندا فوتبال باید گریه کند چون دارد یکی از زیباترین، باشکوه‌ترین و متعهدترین فرزندانش را در عرصه ملی از دست می‌دهد. فوتبال باید اشک بریزد چون دیگر کسی نیست که در دقیقه ۹۰، وقتی همه تسلیم شده‌اند، با پرشی به ارتفاع آسمان، توپ را با سر به تور دروازه بچسباند و ورزشگاه را منفجر کند. فوتبال باید ماتم بگیرد چون دیگر هیچ‌کس قبل از زدن ضربه ایستگاهی، آن ژست معروف و پر صلابت را نخواهد گرفت تا لرزه بر اندام دیواره دفاعی و دروازه‌بان حریف بیندازد. ما به زودی باید خودمان را برای روزهای تاریک و سرد فوتبال بدون رونالدو حتی

رونالدو به جام جهانی نیاز نداشت تا جاودانه شود؛ این جام جهانی بود که نیاز داشت نام کریستیانو را در لیست فاتحانش داشته باشد تا اعتبارش را کامل شود. حالا که این اتفاق نیفتاده، این کلکسیون جام جهانی است که تا بد جای خالی دست‌های پرافتخار ترین گلزن تاریخ فوتبال را روی بدنه‌ی طلایی‌اش حس خواهد کرد

سریع‌السیرا است که تمرز بریده‌است. هیچ مدافعی نمی‌تواند با تکیه بر قدرت بدنی او متوقف کند و هیچ بازیکنی نمی‌تواند در کورس سرعت‌از او پیشی بگیرد. اما آنچه هالندر از سایر مهاجمان فیزیکی تاریخ متمایز می‌کند، هوش سرشار و زمان‌بندی بی‌نقص اوست. او می‌داند چه زمانی باید در سایه بماند و چه زمانی باید چون یک صاعقه بر سر دفاع حریف فرود آید. حرکات بدون توپ او یک کلاس درس کامل برای هر مهاجم جوانی است. او فضاها را می‌بوید، قطر کور مدافعان را پیمایی کند و با یک لمس توپ‌ساده، ره‌بیارترین ضربه را وارد می‌کند. این غریزه، چیزی نیست که بتوان آن را در تمرینات آموخت؛ این یک موهبت الهی است که در دی‌ان‌ای این پسر نوروزی نهاده‌ی شده‌است.

بزرگ‌ترین سلاح ارلینگ هالند، نه پای چپ ویرانگرش است و نه پرش‌های بلندش؛ بلکه ذهنیت تسخیرناپذیر اوست. در دنیایی که بسیاری از ستاره‌ها پس از رسیدن به‌قله، انگیزه خود را از دست می‌دهند، هالند شبیه به گرگی گرسنه‌است که هرگز سیر نمی‌شود. برای او فرقی نمی‌کند در فینال لیگ قهرمانان اروپا بازی می‌کند یا در یک دیدار ساده دوستانه؛ او در دقیقه ۹۰ همان قدر برای گلزنی می‌جنگد که در ثانیه اول بازی.

این عطش بی‌پایان، ریشه‌ش در فرهنگ وایکینگ‌ها دارد؛ جنگجویانی که تسلیم شدن در هم‌شان نبود و برای فتح سرزمین‌های جدید، از هیچ طوفانی نمی‌هراسیدند. هالند نیز با همین روحیه به مستطیل سبز قدم می‌گذارد. وقتی پس از گلزنی، در گوشه زمین به حالت مراقبه می‌نشیند، گویی در حال تجدید قوا برای حمله بعدی است. او آرامش درین را با طوفان بیرون پیونزده‌است. خنده‌های کودکانه‌ی ری‌ای او پس از گلزنی، نشان از لذت خالصی دارد که‌ا‌واز فوتبال می‌برد. او فوتبال را نه به عنوان یک شغل، بلکه به عنوان یک مأموریت مقدس برای جاودانگی می‌بیند.

مادر عصری زندگی می‌کنیم که آمار وارقام بر فوتبال سایه انداخته‌است. امید گل (XG)، تعداد پاس‌های کلیدی و مسافت طی شده، جای خالی احساسات را پر کرده‌اند. هالند، به عنوان ماشین گلزنی این عصر، کوردهای تاریخ را یکی پس از دیگری در هم می‌شکند. اما تقلیل دادن او به یک مشت عدد و رقم، بزرگ‌ترین ظلمی است که می‌توان در حق این پدیده رواداشت. هالند فقط رکورد نمی‌شکند؛ او خاطره می‌سازد. او با هر پرواز خیره‌کننده‌اش، با هر ضربه آکروبا‌تیک و غیرممکنی که به سمت هدف پیش می‌رود، توپ به توری می‌چسبد و سکوت شکسته او را وایتگر داستان تلاشی است که هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. در روزگاری که نسل جدید فوتبال دوستان به دنبال هیجان‌های سریع و قهرمانانی با صلابت هستند، هالند به عنوان کامل‌ترین نماد این نسل ظهور کرده‌است. او برانرژی، مستقیم، بی‌پروا و به شدت جذاب است. او همان قهرمانی است که می‌تواند تکت، تماشاگران را نیم‌خیز نگه‌دارد و قلب‌ها را به تیش وادارد. تصور کنید در یک استادیوم ۸۰هزار نفری نشستند. اید باری گر خورده‌است و روزی روزی در دفاع حریف دیده‌ نمی‌شود. ناگهان یک پاس عمقی ارسال می‌شود. برای کسری از ثانیه، زمان می‌ایستد. ۸۰ هزار نفر نفس‌شان را در سینه حبس می‌کنند. این همان لحظه‌ای است که سکوت مطلق، استاد یوم‌افرامی‌گیر دست‌کوتنی که پیش‌درآمد یک طوفان است. هالند استارت می‌زند. در آن لحظه، دیگر نه تاکتیکی وجود دارد، نه دفاعی و نه دروازه‌بانی. تنها یک نیروی مهار نشدنی وجود دارد که به سمت هدف پیش می‌رود. توپ به توری می‌چسبد و سکوت شکسته می‌شود. فریاد شادی هواداران با غر بوی پیروزی این وایکینگ‌موتلاطی در هم می‌آمیزد. این صحنه‌ای است که بارها و بارها تکرار شده‌است. اما هرگز رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد. جادوی هالند در همین تکرار لذت‌بخش نهفته‌است. او به ما ظلمت‌بازی می‌دهد که تا زمانی که در زمین حضور دارد، امید برای گلزنی، امید برای بازی‌گشت و امید برای پیروزی، هرگز نمی‌میرد.

امروز، ارلینگ هالند در اوج جوانی و در سن ۲۵سالگی، نه تنها به عنوان یکی از بهترین بازیکنان جهان، بلکه به عنوان یکی از نمادهای اصلی ورزش در قرن بیست‌ویکم شناخته می‌شود. او استاندارد چهار ابعاد سطحی برده‌است که دست‌رسی به آن برای نسل‌های بعد، شبیه به یک رویای دست‌نیافتنی خواهد بود.

وقتی او در مسابقات بزرگ بین‌المللی یک‌تنه تیمش را به پیش می‌راند، وقتی برابر چشم میلیون‌ها بیننده، مدافعان نامدار، املقهور قدرت خود می‌کند، در واقع در حال نوشتن تاریخ است.

در عرصه باشگاهی آماده کنیم. روز‌هایی که آخر هفته‌ها می‌آیند و می‌روند، بی‌آنکه منتظر باشیم تا جادوی شماره هفت را در مستطیل سبز تماشا کنیم. این حقیقت، تلخ‌ترین زهر برای عاشقانی است که با رونالدو بزرگ شدند، با گل‌هایش فریاد کشیدند و باشکست‌هایش بغض کردند.

داستان رونالدو و جام جهانی شاید با جام قهرمانی به پایان نرسیده باشد، اما داستان او با قلب میلیون‌ها انسان، پایانی حماسی دارد. او نمی‌شود؛ عظمت در اثری است که روی روح و روان انسان‌های گذاری. وقتی سال‌ها بعد، پدربزرگ‌ها بخواهند برای نوه‌های‌شان از اسطوره‌های فوتبال بگویند، قطعاً از مردی حرف خواهند زد که از یک جزیره کوچک آمد و دنیا را فتح کرد. از مردی که هیچ‌گاه کلمه «تیمی توأم» را به رسمیت نشناخت. از مردی که با پاهایش شعر نوشت و با اراده‌اش، کوه‌ها را جابه‌جا کرد. پس حالا، در این لحظه وداع، بیایید اشک‌های مان را پاک کنیم. بیایید به جای حسرت خوردن برای جامی که در دستانتش نیست، به افتخار تیرام لحظاتی که قلب‌مان را به تیش انداخت، به افتخار تمام فریادهای «Siituu» که در ورزشگاه‌ها طنین‌انداز شد و به افتخار تمام در‌های بزرگی که به ما داد، از جا بلند شویم. کلاه از سر بردارید. بایستید و با تمام توان، برای کریستیانو رونالدو تک‌بزنید. او شایسته طولانی‌ترین تشویق ایستاده تاریخ است. پادشاه هرگز نمی‌میرد؛ او فقط از مستطیل سبز به قلب تاریخ اسباب‌کشی می‌کند. ممنونیم کریستیانو، برای همه چیز.

اوبه‌مانشان می‌دهد که انسان تاجه‌حدمی‌تواند محدودیت‌های فیزیکی و روانی خود را پس‌بزند در نهایت، ارلینگ هالند چیزی فراتر از یک فوتبال‌بست است. او یک پدیده فرهنگی، یک نیروی طبیعت و یک الهام‌بخش بزرگ برای تمام کسانی است که رویای فتح غیرممکن‌ها را در سر می‌پروراند. داستان او، داستان پسری از سرزمین‌های سرد شمالی است که با آتش درون خود، دنیای فوتبال را به تسخیر آورد. و برای مدافعان حریف، خبر بد این است که این داستان هنوز به پایان نرسیده‌است. قلم در دست این وایکینگ بی‌رحم است و هنوز فصل‌های زیادی برای نوشتن دارد. صدای گام‌های او همچنان در تاریخ فوتبال پژواک خواهد یافت؛ بر طنین، با صلابت و جاودانه.

آگهی موضوع ماده ۱ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان آبدانان
ادامه از صفحه قبل
۲۵ – آقای مهدی حیدری فرزند کاظم در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۱/۲۵۵۱ متر مربع پلاک ۹۴ فرعی از ۱۸ اصلی واقع در آبدانان اراضی هلیوه که هیئت قانون تعیین تکلیف به موجب رای ۱۵۲۷۰۰۷۰۰۳۱۵۰۰۳۱۵۰۰۳۱ مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ رای به صدور دند مالکیت المرفونی هیرة تقاضا را صادر نموده است.
۲۶ _ آقای مهدی حیدری فرزند کاظم در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۷/۱۵۳۹ متر مربع پلاک ۹۵ فرعی از ۱۸ اصلی واقع در آبدانان اراضی هلیوه که هیئت قانون تعیین تکلیف به موجب رای ۱۵۲۸۰۰۷۰۰۳۱۵۰۰۳۱۵۰۰۳۱ مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ رای به صدور سند مالکیت مفروزه مورد تقاضا را صادر نموده است.
۲۷ _ خانم مرضیه عزیزی فرزند ابراهیم در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۵/۱۳۰۲ متر مربع پلاک ۱۵۷۸۹ فرعی از ۳۱ اصلی واقع در آبدانان اراضی ناصر عالی که هیئت قانون تعیین تکلیف به موجب رای ۱۴۰۵۶۰۳۱۵۰۰۷۰۰۳۳۲۸ مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۲۷ رای به صدور سند مالکیت مفروزه مورد تقاضا را صادر نموده است.
لذا چنانچه اشخاص ذینفع به آرا فوق الذکر اعتراض داشته باشند باید از انتشار اولین نوبت آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند در صورتی که اعتراض در موعد مقرر قانونی واصل ننگردد می معترض گواهی تنظیم دادخواست از دادگاه عمومی محل ارائه نماید ثبت محل وفق مقررات مبادرت به صور سند مالکیت خواهد نمود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱
سرخ رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان آبدانان